گزارشی از معضلات زیست محیطی استان همدان

چرای دام، شکار و معدن، کابوس مناطق حفاظت شده

بابک مهدیزاده

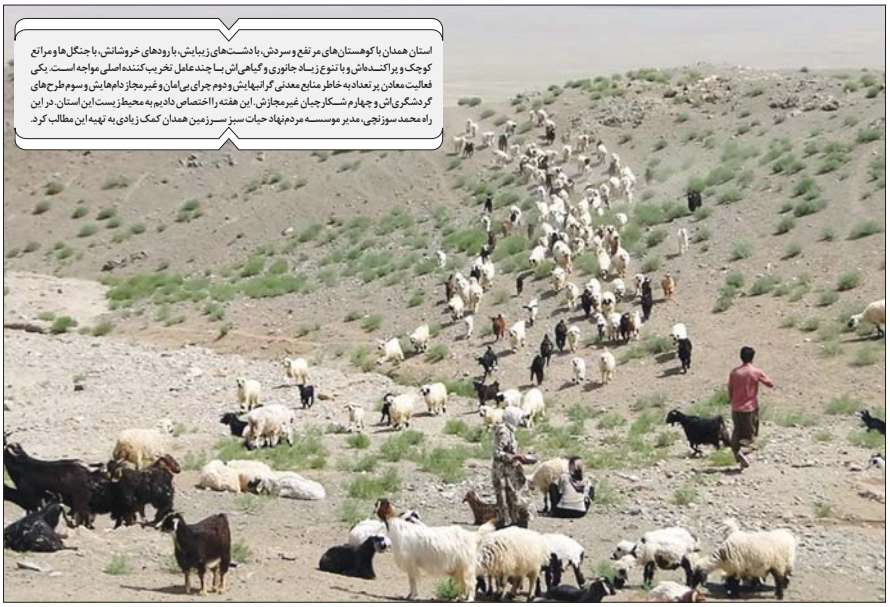

استان همدان با کوهستان‌های مرتفع و سردش، با دشت‌های زیبایش، با رودهای خروشانش، با جنگل‌ها و مراتع کوچک و پراکنده‌اش و با تنوع زیاد جانوری و گیاهی‌اش با چند عامل تخریب کننده اصلی مواجه است. یکی فعالیت معادن پر تعداد به خاطر منابع معدنی گرانبهایش و دوم چرای بی‌امان و غیرمجاز دام‌هایش و سوم طرح‌های گردشگری‌اش و چهارم شکارچیان غیرمجازش. این هفته را اختصاص دادیم به محیط زیست این استان. در این راه محمد سوزنچی، مدیر موسسه مردم‌نهاد حیات سبز سرزمین همدان کمک زیادی به تهیه این مطالب کرد.

در همدان چندین منطقه حفاظت شده قرار دارد. مناطقی بکر با پوشش گیاهی و تنوع حیات‌وحش منحصربه‌فرد. یکی منطقه حفاظت‌شده گلپرآباد است در ۴۰ کیلومتری شهرستان ملایر، زیستگاه قوچ و میش ارمنی، گرگ، تشی، روک و بسیاری از پرندگان مانند کبک، تیهو و عقاب طلایی است و یکی دیگر از مناطق حفاظت شده «شگرد» است در شرق ملایر با ۱۱ چشمه دایمی و ۲۶۶ گونه گیاهی و ۱۸ گونه پستاندار و ۷۵ گونه پرنده. منطقه حفاظت شده آلومبلاغ هم به‌عنوان شناسنامه شهرستان اسدآباد شناخته می‌شود با وسعت ۷هزار و ۵۰۰ هکتار در ارتفاعات استان همدان. نهاوند همدان هم منطقه حفاظت شده ملوسان را دارد با ۹هزار و ۵۰۰ هکتار و ۱۵۲ گونه گیاهی و ۲۵۳ گونه جانوری. منطقه حفاظت شده بعدی شراء است که زیستگاه اصلی قوچ و میش ارمنی است با وسعت ۱۰ هزار و ۷۰۰ هکتار در ۴۵ کیلومتری شرق همدان. منطقه حفاظت شده خانگرمز هم هشتمین منطقه حفاظت شده این استان محسوب می‌شود. اما اکثر این مناطق حفاظت شده با معضلات بزرگی دست و پنجه نرم می‌کنند. معضلاتی که منجر به در معرض انقراض قرار گرفتن گونه‌های گیاهی مانند هزار خار استوانه‌ای، سیاه تنگرس فارسی، تنگرس، کتان سفید، یونه‌سای مواج، یونه‌سای تنک، آویشن دنایی برگ نقره‌ای، آویشن، شلیل، مینای صخره‌ای، لبدیسی بوته‌ای نمدی، گل گندم زاگرسی، گل گندم بیابانی، زبان‌پس‌قفای غده‌دار، مریم‌گلی سبیخک‌دار، لب‌خرگوشی و چارچار دنایی در منطقه حفاظت شده ملوسان، دارد. منطقه‌ای که بسیاری از خزندگان و پستاندارانش نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. داستانی که برای منطقه حفاظت شده خانگرمز و دیگر مناطق هم وجود دارد.

تخریب صورت گرفته توسط معادن، چرای غیرمجاز و بی‌رویه دام‌ها و پروژه‌های گردشگری از اصلی‌ترین عاملان تهدید علیه مناطق حفاظت شده هستند. این فعال محیط‌زیست توضیح می‌دهد: مثلا منطقه حفاظت شده خانگرمز که بزرگترین محل زیست کل‌های ایران است و لنگرمر که بزرگترین زیستگاه قوچ‌های ایران است با معضل بزرگی به نام خطر معادن روبه‌رو هستند. همچنین دام‌های به اصطلاح متعلق به عشایر هم ورود غیرقانونی به این مناطق دارند و مبادرت به چرا می‌کنند درحالی که براساس اطلاعات و شواهد ما بسیاری از این دام‌ها متعلق به عشایر نیست و از آن سودجویان است. اما بزرگترین تهدید مطمئنا معادن استان هستند. وجود معادن سنگ‌آهک، سنگ‌سیمان و سنگ‌های معدنی دیگر تبدیل به تهدید بالقوه مناطق حفاظت شده است. این معادن آن‌قدر قدرتمند هستند که نمی‌شود جلوی فعالیت آنها را گرفت. نهایت کاری که سازمان محیط‌زیست توانسته انجام دهد این است که مثلا از تشکیلات عظیم معدن کاوی همدان بخواهد که مثلا در فصل بهار که فصل پچ‌زایی حیوانات است از سرودهای موتورهایشان بکاهند. معادن با حمایت‌هایی که پشت‌سر خود دارند تبدیل به تشکیلات بزرگی شده‌اند که نمی‌شود جلوی فعالیت‌شان را گرفت و ماهمچنین انتظاری از سازمان محیط‌زیست نداریم. اما این معادن کمر به قتل مناطق حفاظت‌شده بسته‌اند و برای جلوگیری از این تخریب گسترده نیاز به یک کار بزرگ است.

مشکل دیگر مناطق حفاظت شده نبود محیط‌بان به اندازه کافی است. برای حفاظت درست از این مناطق به تعدادی ۱۰ برابر تعداد فعلی محیط‌بانان نیاز داریم. این تعداد کم محیط‌بان هیچ کاری را عملا نمی‌تواند از پیش ببرد. اینها حتی بعضا پول بنزین خودرو خدمت خود را هم ندارند. نبود امکانات کافی و بودجه و نیروهای محیط‌بان باعث شده که شکارچیان به راحتی کار خود را انجام دهند و روزانه تعداد زیادی از جانوران حفاظت شده شکار شوند.

هجوم تله کابین به گنجنامه همدان

وقتی طرح تله‌کابین گنجنامه در کوه‌های الوند در سال ۱۳۷۸ کلید خورد، از همان ابتدا اعتراضات آغاز شد. تله‌کابینی که در مجاورت کتیبه‌های گنجنامه ساخته شد، درنهایت باعث شد این اثر ۲۵۰۰ساله هخامنشی به ثبت جهانی نرسد. اثری که خشایارشاه داستان حکومت خود را به خط میخی بر آن حکاکی کرده بود. اما این تنها اثر سوء این تله‌کابین نبود. تله‌کابینی که در خرداد۱۳۸۸ مقرر شد، دارای بولینگ و برج بانجی‌جامپینگ و آبشار مصنوعی و پیست اسکی و پیست دوچرخه‌سواری و خط لژویگاند و صخره مصنوعی و دوباند هلی کوپتر و آلاچیق‌هایی برای زندگی عشایر شود. طرحی که فعالان محیط‌زیست را نگران کرد.

مدیر موسسه مردم‌نهاد حیات‌سبز سرزمین همدان و کارشناس ارشد اکوتوریسم درباره اثرات سوء مجموعه تله‌کابین گنجنامه الوند می‌گوید: ظرفیت برد این منطقه در بهترین شرایط حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر است اما وقتی تله‌کابین ساخته شد، افراد بیشتری به این منطقه رفتند که خارج از ظرفیت منطقه بود.

وی می‌افزاید: زمانی فقط کوهنوردان به این منطقه می‌رفتند اما کوهنوردان اخلاق محیط‌زیستی را رعایت می‌کنند و می‌دانند که باید به محیط‌زیست احترام بگذارند اما اکنون گردشگران که با تله‌کابین به منطقه می‌روند، زباله‌هایشان را همانجا رها می‌کنند.

این فعال محیط‌زیست می‌گوید: از همه بدتر این که‌می‌خواهند بالای کوه هتل بسازند. درحالی که آن منطقه محدوده تردد میش‌ها است. هر از چندگاهی هم بولدوزرهایشان را آن بالا می‌برند که با مقاومت فعالان محیط‌زیست روبه‌رو می‌شوند و دست می‌کشند. اما این خطر همچنان به‌صورت بالقوه در منطقه وجود دارد.

برابر آمار ارایه‌شده، اکنون روزی بیش از یک‌تن زباله به لطف حمل‌ونقل مسافران توسط تله‌کابین به منطقه گنجنامه، تولید و تلنبار می‌شود. حال معلوم نیست که با گسترش پروژه‌های گردشگری تله‌کابین چه اثرات سوء محیط‌زیستی دیگری بر منطقه وارد می‌شود؟

فاضلابی که به رودخانه عباس آباد می‌ریزد

مدیر موسسه مردم‌نهاد حیات سبز سرزمین همدان با اشاره به معضل سرریز شدن فاضلاب به رودخانه گنجنامه یکی از معضلات را در عدم آگاهی فعالان محیط‌زیست و خود سازمان محیط‌زیست از مفاد قانونی عنوان می‌کند و می‌گوید: نه تشکل‌ها و نه مدیران ما آشنایی کاملی از قوانین ندارند. مثلا بندهای قانونی مثل ۷۲۷ قانون کیفری به حمایت از حیوانات شهری تصریح کرده‌اند. مثلا سگ‌کشی با این قانون منافات دارد و ما براساس همین قانون توانستیم در مقابل سگ‌کشی‌های چندسال پیش همدان بایستیم که دیگر تکرار نشد. حال این رویه را می‌توانیم در موارد دیگری تکرار کنیم. مثلا همین ماجرای آلوده شدن رودخانه گنجنامه توسط فاضلاب سفره‌خانه‌ها، باغ‌ها و مجتمع تله‌کابینی که در حوالی‌اش وجود دارد. باید از قوانین استفاده کرد و مسببان آلوده کردن رودخانه را مجازات کرد و جلوی این آلودگی را گرفت. آلودگی رودخانه گنجنامه اکنون به سطح مقامات عالی استان هم رسیده است. فرماندار همدان از ایجاد کمیته‌ای برای اصلاح وضع رستوران‌های مسیر گنجنامه خبر داد و از شرکت آب و فاضلاب خواست که در مورد جمع‌آوری فاضلاب رستوران‌ها تدابیر لازم را اتخاذ کند. اداره محیط‌زیست هم لیستی از باغ‌های متعلق به ارگان‌ها و ادارات را به فرمانداری ارایه داد تا جلوی فعالیت مخرب اینها گرفته شود. لیستی که نشان‌دهنده وجود ۱۴ منبع آلودگی فاضلاب‌های ریخته شده به رودخانه عباس‌آباد است. رودخانه گنجنامه و عباس‌آباد همدان یکی از قربانیان گردشگران است. گردشگرانی که به این منطقه خوش آب و هوا می‌آیند و از خود زباله و خرابی برای رودخانه به یادگار می‌گذارند. مسافرانی که به رستوران‌ها و مراکز اقامتی می‌روند و شبکه فاضلاب این مکان‌های توریست‌پذیر یکسر به رودخانه‌ها سرریز می‌شوند. به همین دلیل است که معاون عمرانی استاندار به تسنیم خبر داده بود که تلاش شده تا تمامی رستوران‌های آلاینده منطقه عباس‌آباد که فاضلاب آنها وارد رودخانه می‌شود در سال گذشته پلمب شود و در صورت نیاز این روند امسال نیز ادامه پیدا می‌کند.

آلودگی تولید شده توسط مرغداری‌ها

مرغداری‌ها مشکل دیگر محیط‌زیست استان هستند. طبق قانون و براساس تعریف استانداردهای زیست‌محیطی مرغداری‌ها باید در محوطه‌های احداث شوند که حایز شرایط زیست‌محیطی سختی باشد. مثلا مرغداری‌ها در حومه‌شهر، کنار رودخانه‌ها و نزدیک مزارع کشاورزی و اماکن مسکونی نباید احداث شوند. چون اثرات زیست‌محیطی و بهداشتی مرغداری‌ها آن‌قدر شدید است که می‌تواند تا برد ۱۰ کیلومتری انواع بیماری‌ها را منتقل کند. اما در ایران و به‌طور مشخص در همدان ۴۰۰ واحد صنعتی مرغداری وجود دارند که بعضا در حومه شهرها فعالیت می‌کنند و بعضا هم در کنار مزارع کشاورزی و دشت‌های حاصلخیز. این واحدها محیطی به مساحت ۴هزار مترمربع را می‌توانند آلوده کنند اما هیچ ارگانی بر تعرضات زیست‌محیطی این مرغداری‌ها نظارت نمی‌کند و آلودگی بدون هیچ مانعی وارد طبیعت و حتی زندگی انسان‌ها می‌شود.

لزوم اتحاد مابین فعالان محیط زیست

محمد سوزنچی
مدیر موسسه مردم‌نهاد حیات‌سبز سرزمین همدان

چند صباحی است که موضوعات زیست‌محیطی نقل محافل ما شده است، موقع سرو غذا در مهمانی‌های خانوادگی، داخل تاکسی سرصف نانوایی، تبلیغات تلویزیونی، حتی شعارهای تبلیغاتی انتخاباتی. آیا اتفاقی افتاده است؟ اصلا این نقل شدن مشکلات محیط‌زیست خوب است یا نه. پاسخ به این سوال از دو جنبه حایز اهمیت است. یک از جنبه دوستداران محیط‌زیست که همیشه معتقد بودند میگروفن برای بیان موضعات زیست محیطی ندارند و کسی صدای آنها را نمی‌شنود و حتی کسی به حرف آنها گوش نمی‌کند ولیکن الان خوشحال‌اند هرجا می‌رسند، می‌گویند: دیدید آنچه نباید رخ داد ما چندین بار بهتون گفتیم این همه مشکلات زیست محیطی داریم کمتر آشغال بریزید، کمتر آب مصرف کنید، به حیوانات احترام بگذارید... گوش ندادید حالا باید ریز گردها باعث بشوند که از خونه بیرون نروید، فشار آب افتد کم شده که همتون باید منتظر افزایش فشار بشید تا بتونید دوش بگیرید و از این جور حرفا.

جنبه دوم متخصصان دوستدار محیط‌زیست هستند که تا حدودی از تفکرات گروه اول دفاع می‌کنند ولیکن راهکار ارایه می‌دهند، مقاله می‌نویسند. کارشان صرفا به چالش کشیدن نیست و سعی دارند ناراحی برای کاهش معضلات زیست‌محیطی پیدا کنند و هر از چندگاهی بحثی را در رسانه‌ها مطرح می‌کنند.

ولی آیا مشکلات زیست‌محیطی به سمت شیب ملایم کاهش رسیده است؟ آیا واقعا با این همه سروصدای زیست‌محیطی داریم جلوی بحران‌ها را می‌گیریم؟ آیا راه برون‌رفت از مشکلات سرو صدا کردن است و دیگر هیچ. شخصی مثل دکتر کردوانی که تا چندسال پیش محیط‌زیستی‌ها سر اسمشان قسم می‌خوردند حالا ایشان یک نظریه در مورد دریاچه ارومیه داده و از چشم محیط‌زیستی‌ها افتاده. امثال دکتر افراد بسیار زیادی داریم که متاسفانه چون ایشان براساس منطق علمی و نه احساسی از روی کنش‌های زیست‌محیطی که واقعا در کنار ما اتفاق می‌افتد نظریه‌ای می‌دهند که مورد هجمه دوستداران احساسی محیط‌زیست قرار می‌گیرند.

همه این صحبت‌ها را کردم تا در انتها بگویم به نظر می‌رسد طی سال‌های گذشته آنچه در فضای دوستان محیط‌زیستی به شدت تأثیر منفی می‌گذارد تضادهای تئوری و احساسی خود محیط‌زیستی‌هاست. به نحوی که برای مقاله یا یک تئوری احساسی آنچنان یکه‌تازی می‌کنند که از غبارشان فقط محیط‌زیست آلوده می‌شود و در انتهای داستان اغلب خودشان شرمنده می‌شوند. از این رو به‌عنوان یک عضو کوچک از جامعه محیط‌زیست کشور عزیزمان از همه دوستداران و متخصصان محیط‌زیست عاجزانه خواهش می‌کنم در هر بحث و گفت‌وگو یا هر نتیجه‌گیری منافع زیست‌محیطی منطقه خودمان را ببینیم تا نکنند در زمان تقابل ما به یک فعال محیط‌زیستی سوداگر طبیعت، محیط‌زیست را نابود کند.

حمله همه جانبه به تالاب شیرین سو

تالاب شیرین سو در شهرستان کبودرآهنگ یکی از زیباترین مناطق زیست‌محیطی همدان است. تالابی که طبیعی نیست و به‌خاطر ساخت سد خاکی شیرین سو در پی گذشت سال‌ها پدید آمده است. داستان از این قرار است که سد مخزنی شیرین سو برای مصرف کشاورزی و کنترل سیلاب‌ها احداث شد و از آن‌جا که در ۶۰ کیلومتری این سد هیچ آبندانی وجود نداشت پرندگان مهاجر آب جمع شده پشت سد را مکانی مهم و مطلوب برای توقف خود انتخاب کردند و بسیاری از پرندگان هم در همانجا مأوا برگزیدند و ماندگار شدند. به گفته سوزنچی، فعال محیط‌زیست همدان اینک این تالاب زیستگاه و محل تخم‌گذاری پرنده‌های زیبایی چون بلوه آبی، حواصیل خاکستری، لک‌لک و حتی فلامینگو شده است. از این رو براساس قوانین کنوانسیون رامسر این آب بند، به خاطر سکونت بیش از ۹۰ گونه جانوری، تالاب شناخته شد و تحت حمایت قوانین تالاب‌ها درآمد و باید زیر نظر سازمان محیط‌زیست باشد.

اما اکنون این تالاب دچار معضلات بزرگی است. یکی از آن معضلات از نظر سوزنچی حق آبه‌ای بود که شرکت آب سال گذشته به کشاورزان فروخت. نتیجه‌اش پایین آمدن آب قسمت بزرگی از تالاب و مردابی شدن آن بود که البته با برگزاری کمپین‌های اعتراضی مسئولان اداره آب در تصمیم خود تجدیدنظر کردند اما آثار تخریبی‌اش ماندگار شد. مشکل دیگر این تالاب تبدیل شدنش به یکی از قطب‌های گردشگری استان است. تالاب شیرین سو که در نزدیکی غار علیصدر قرار گرفته است پذیرای گردشگرانی است که هیچ آشنایی با حفظ موازین زیست‌محیطی ندارند و در کمترین زمان ممکن بزرگترین تخریب را به محیط‌زیست وارد می‌کنند. مشکل دیگر تالاب کودهای کشاورزی است که به آن وارد می‌شود و موجب آلودگی شدیدش شده است. فرهاد گیتی‌جمال، فعال محیط‌زیست همدان هم پیش از این در گفت و گو با تیسم گفته بود: «زمین‌های کشاورزی زیادی در بالادست تالاب شیرین‌سو وجود دارد که متاسفانه در اثر استفاده کشاورزان از کودهای نیتراته، فسفاته تیامه و آفت‌کش‌های کلره که در دنیا منسوخ شده و از طریق روانابی که در اثر بارندگی اتفاق می‌افتد باعث شستن خاک و ورود این کودها و آفت‌کش‌ها به تالاب شده و باعث مرگ و میر پرندگان و ماهی‌های این تالاب می‌شوند.»

آسیب دیگری که به این تالاب وارد شده چرای مفرط دام‌ها است. گیاهان رشدکننده در کنارهای تالاب منبع غذایی دام‌ها هستند. اما تالابی که باید تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست قرار گیرد و رفت و آمد در آن تحت کنترل باشد با هجوم دام‌ها مواجه شده است به طوری که چرای مفرط دام‌ها پوشش گیاهی بخشی از تالاب را نابود کرده است.

مناطق شکار ممنوع مملو از شکارچی

علاوه‌بر مناطق حفاظت شده، استان همدان تعدادی مناطق شکارممنوع هم دارد که در انتظار ثبت در لیست مناطق حفاظت شده هستند. یکی از این مناطق دشت میشان است. زیستگاه قوچ‌ها و میش‌ها این منطقه که چندسال پیش منطقه شکارممنوع شد برای ایران و مشخصا همدانی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. آن‌قدر مهم است که خواستند این منطقه را حفاظت شده اعلام کنند اما به هنگام اجرای این تبدیل دریافتند که حتی ۱۰۰ هکتار از این منطقه وجود ندارد که به صورت قطعه‌قطعه به معادن واگذار نشده باشد. هرچند که این معادن هنوز به بهره‌برداری نرسیده‌اند اما یک خطر بالقوه محسوب می‌شود مخصوصا با تجربه‌ای که از حضور معادن در مناطق حفاظت شده داریم. تشکل‌های زیست‌محیطی بارها از سازمان محیط‌زیست عاجزانه خواسته‌اند که کاری بکند که دشت میشان هم به سرنوشت مناطق حفاظت شده استان دچار نشود.

منطقه شکار ممنوع دیگر دشت اسدآباد است. زیستگاه میش مرغ که سال‌هاست این جانور بومی را به خود ندیده است. میش مرغ از سال ۸۸ دیگر در دشت اسدآباد دیده نشده است. درحالی که خواسته سمن‌های زیست‌محیطی از سازمان محیط‌زیست این است که با برنامه‌ریزی دقیق و علمی این جانور را به زیستگاه قدیمی‌اش بازگردانند چون حضورش در چرخه اکوسیستم منطقه تاثیرگذار است. مناطق شکار ممنوع دیگری هم مانند نشر، آلما و بولاغ و ۵ و ۶ منطقه دیگر را می‌توان در همدان نام برد که در معرض تهدیدات زیادی هستند که بیشتر از جانب معادن، شکارچیان و دام‌ها احساس می‌شود. مناطقی که در انتظار قرار گرفتن در لیست مناطق حفاظت شده هستند اما به خاطر تخریب‌های انجام شده نه‌تنها منطقه حفاظت نشده‌اند بلکه طبیعت‌شان با خطرهای زیادی درگیر شده است.